





دانشکده اصول الدین
USUL AL DEEN COLLEGE
غیر دولتی غیر انتفاعی

گروه علوم قرآن و حدیث

پایان نامه کارشناسی ارشد

موضوع

برکت از دیدگاه قرآن و حدیث

استاد راهنما:

آقای دکتر محمد تقی دیاری

استاد مشاور:

آقای دکتر حسین شریف عسکری

نگارش

زهرا زاهری

زمستان ۱۳۹۰



دانشكده اصول الدين

USUL AL DEEN COLLEGE

غير دولتی غیر انتفاعی

قسم علوم القرآن و الحديث

رسالة ماجستير

عنوانها

البركة في ضوء القرآن و الحديث

الاستاذ المشرف

الدكتور محمد تقى ديارى

الاستاذ المشاور

الدكتور حسين شريف عسكرى

إعداد

زهرا زاهرى

السنة: ١٤٣٣ هـ ق

تقدیم:

تقدیم به خداوندی که حواس پنجگانه او را درک نکنند ، مکان ها او را در بر نگیرند ، دیدگان او را ننگرند ، پوشش ها او را پنهان نسازند ، با حدوث آفرینش ، ازلی بودن خود را ثابت کرد ، وبا پیدایش انواع پدیده ها ، وجود خود را اثبات فرمود ، و با همانند داشتن مخلوقات ، ثابت شد که خداوند همانندی ندارد . خدا در وعده های خود راستگو ، و برتر از آن است که بر بندگان ستم روا دارد ، میان مخلوقات به عدل و داد رفتار کرد ، و در اجرای احکام عادلانه فرمان داد . حادث بودن اشیاء ، گواه بر ازلیت او ، و ناتوانی پدیده ها ، دلیل قدرت بی مانند او ، و نابودی پدیده ها ، گواه دائمی بودن اوست . خدایکی است نه با شمارش ؛ همیشگی است نه با محاسبه زمان ؛ برپاست نه با نگهدارنده ای ؛ اندیشه ها او را می شناسند نه با درک حواس ؛ نشانه های خلقت به او گواهی می دهند نه به حضور مادی ؛ فکرها و اندیشه ها بر ذات او احاطه ندارند ، که با آثار عظمت خود بر آنها تجلی کرده است ، و نشان داد که او را نمی توانند تصور کنند ، و داوری این ناتوانی را بر عهده فکرها و اندیشه ها نهاد . بزرگی نیست دارای درازا و پهنای و ژرفا ، که از جسم برخوردار باشد ، و با عظمتی نیست که کالبدش بی نهایت بزرگ و ستبر باشد، بلکه بزرگی خدا ، در مقام و رتبت و عظمت او ، در قدرت و حکومت اوست .

سپاس:

اکنون که به یاری خداوند متعال نگارش پایان نامه را به اتمام رسانده ام به موجب « من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق » بر خود لازم می دانم از اساتید گرانقدر و شایسته جناب آقای دکتر دیاری که راهنمایی و هدایت لازم را مبذول نمودند و جناب آقای دکتر شریف عسکری که امر مشاوره را برعهده داشتند ، تشکر و سپاسگزاری نمایم .

همچنین از زحمات خانواده محترم به ویژه مادرم و همسر گرامی ام که همراه و مشوقم بوده اند قدردانی می نمایم .

در پایان آرزوی عاقبت به خیری برای آنان را از خداوند متعال خواستارم .

چکیده

اسباب این جهان، منحصر به ظواهر و مادیات نیست، بلکه در ماورای عالم مادی، امور دیگری به نام معنویات وجود دارد که ارتباطی بس دقیق با مادیات و ظرافتی قابل تحسین دارد. یکی از این امور معنوی، واژه برکت و مشتقات آن است که در قرآن به صورت‌های مختلف، جمعاً سی و دو بار به کار رفته است. این تحقیق به بررسی واژه برکت از دیدگاه قرآن و حدیث می‌پردازد و روش تحقیق آن به صورت کتابخانه‌ای که از قرآن کریم، منابع تفسیری، روایی و حدیثی استفاده شده است. آشنایی با اسباب و عوامل افزایش برکت در زندگی و بکارگیری عملی و کاربردی آن در زندگی و اجتناب از عوامل برکت زدا از اهداف این نوشتار می‌باشد. طرح این موضوع از آن جهت قابل اهمیت است که با بررسی آیات و روایات مربوط، با مفاهیم و موارد استعمال این واژه آشنا می‌شویم و با ذکر دیدگاه‌های مفسران و برداشت‌های گوناگون از آیات و روایات، مراد از برکت و مادی یا معنوی بودن آن را در می‌یابیم. نتیجه‌ای که به آن می‌رسیم این است که مقصود از برکت در زبان دین آن چیزی است که در آن خیر معنوی یا مادی منتهی به معنوی است.

این تحقیق در قالب سه فصل سامان یافته است: فصل اول آن شامل کلیات، مفاهیم و روش‌های تحقیق، بررسی واژه برکت و مشتقات آن می‌باشد. فصل دوم به ذکر اسباب برکت پرداخته و موارد قرآنی و حدیثی آن را ذکر می‌کند. فصل سوم به ذکر انواع برکت می‌پردازد. فصل چهارم موانع برکت، را مورد بررسی قرار می‌دهد و در فصل پنجم نتیجه‌گیری نهایی عنوان شده است.

کلیدواژگان: برکت، اسباب برکت، موانع برکت، خیر، رزق

فهرست مطالب:

۱	فصل اول: کلیات
۴	۱- تعریف موضوع
۵	۲- ضرورت و اهمیت تحقیق
۵	۳- اهداف تحقیق
۵	۴- سوالات تحقیق
۶	۵- پیشینه تحقیق
۶	۶- روش تحقیق
۶	۷- تعریف اصطلاحات
۷	۸- برکت در لغت و اصطلاح
۹	۹- واژه های هم خانواده برکت در قرآن
۹	۹-۱- برکات
۱۵	۹-۲- بورك
۱۷	۹-۳- تبارک
۲۳	۹-۴- بارکنا
۲۹	۹-۵- مبارک
۳۷	۱۰- نتیجه‌گیری
۳۹	فصل دوم: اسباب برکت
۴۱	اسباب برکت
۴۱	۱- قرآن کریم
۴۳	۲- پروا، اطاعت و فرمانبرداری از خداوند
۴۴	۳- نماز
۴۵	۴- بسم الله گفتن
۴۵	۵- عیادت از بیمار
۴۶	۶- امر به معروف و نهی از منکر
۴۷	۷- حج
۴۸	۸- صدقه
۵۰	۹- زکات
۵۱	۱۰- مدارا در زندگی
۵۲	۱۱- قناعت
۵۳	۱۲- عدل و رعایت انصاف
۵۴	۱۳- افراد با برکت
۵۵	۱۳-۱- الله
۵۵	۱۳-۲- انبیاء الهی
۵۷	۱۳-۳- معصومان (ع)
۵۷	۱۳-۴- حضرت فاطمه (س)
۵۸	۱۳-۵- دختران و زنان
۵۹	۱۳-۶- کودکان و افراد مسن بزرگان هر طایفه و قوم
۶۰	۱۳-۷- مؤمنان و اهل نیکی
۶۱	۱۳-۸- دعا

۶۲	۱۴- زمان های مبارک در قرآن
۶۲	۱-۱۴- شب قدر
۶۳	۲-۱۴- ماه رمضان
۶۴	۳-۱۴- ماه رجب
۶۴	۴-۱۴- ماه شعبان
۶۵	۵-۱۴- روز جمعه
۶۵	۶-۱۴- عید قربان
۶۶	۷-۱۴- عید غدیر
۶۶	۸-۱۴- صبح خیزی
۶۷	۱۵- نوشیدنی های با برکت
۶۷	۱-۱۵- آب باران
۶۸	۲-۱۵- آب فرات
۶۹	۳-۱۵- عسل
۶۹	۱۶- غذاهای با برکت
۷۰	۱-۱۶- زیتون
۷۱	۲-۱۶- نان
۷۱	۳-۱۶- نمک
۷۱	۴-۱۶- غذای سرد
۷۲	۵-۱۶- خرما
۷۳	۱۸- شغل های بابرکت
۷۳	۱-۱۸- کشاورزی
۷۴	۲-۱۸- تجارت
۷۵	۱۹- مکانهای با برکت
۷۵	۱-۱۹- کعبه
۷۶	۲-۱۹- شام
۷۶	۳-۱۹- ارض بیت المقدس
۷۷	۴-۱۹- وادی طور
۷۷	۵-۱۹- کربلا
۷۷	۶-۱۹- قم
۷۸	۲۰- نتیجه
۸۱	فصل سوم: انواع برکات
۸۳	انواع برکات
۸۴	برکات زمینی (مادی یا حسی)
۸۵	برکات آسمانی
۸۶	برکات معنوی
۸۷	نتیجه:
۸۹	فصل چهارم: موانع برکت
۹۱	موانع برکت
۹۱	گناه و ظلم
۹۳	۲- دوری از علما
۹۴	۳- موسیقی، قمار و شراب
۹۴	۴- قسم خوردن برای فروش کالا
۹۵	۵- آموختن علم به قصد ریا
۹۶	۶- خیانت در شراکت و امانت

۹۷ ۷- مال حرام
۹۸ ۸- زوال برکت در سبک شمردن نماز
۹۹ ۹- خانه‌های بی برکت
۹۹ ۹-۱- مهجوریت قرآن
۹۹ ۹-۲- نداشتن فرزند
۱۰۰ ۹-۳- بسم الله نگفتن موقع غذا خوردن
۱۰۰ ۹-۴- خوردن غذای داغ
۱۰۰ ۱۰- اسراف
۱۰۱ ۱۱- پرداخت نکردن زکات
۱۰۲ ۱۲- امر به معروف و نهی از منکر نکردن
۱۰۳ ۱۳- نیت‌های بد و سوء نیت
۱۰۴ ۱۴- کوتاهی در حق برادر دینی
۱۰۵ ۱۵- عمل منافی عفت
۱۰۵ ۱۶- دشنام دادن
۱۰۶ ۱۷- کم فروشی
۱۰۸ ۱۸- فروش زمین
۱۰۹ ۱۹- ناسپاسی نعمت (کفران نعمت)
۱۱۰ ۲۰- ربا، محو برکت
۱۱۲ ۲۱- بخل
۱۱۴ ۲۲- فروتنی در برابر دنیاداران
۱۱۵ ۲۳- تکذیب انبیاء
۱۱۶ ۲۴- نتیجه گیری
۱۱۷ فصل پنجم: خلاصه و نتیجه گیری
۱۱۹ ۱- سوال اصل
۱۱۹ مفهوم برکت از منظر قرآن و حدیث ، ابعاد و شئون آن چیست ؟
۱۲۰ ۲- سوالات فرعی
۱۲۰ ۱-۲- مهمترین وجوه معانی و کاربرد قرآنی و روایی و مشتقات برکت چیست ؟
۱۲۰ ۲-۲- انواع برکت کدامند؟
۱۲۱ ۲-۳- اسباب برکت در زندگی چه چیزهایی هستند؟
۱۲۱ ۲-۴- موانع افزایش برکت در زندگی چه چیزی است؟
۱۲۱ ۳-۴- افراد با برکت، زمانهای با برکت و مکانها و ... کدامند؟
۱۲۳ منابع:

فصل اول: کلیات

- ۱- تعریف موضوع
- ۲- ضرورت و اهمیت تحقیق
- ۳- اهداف تحقیق
- ۴- سؤالات تحقیق
- ۵- پیشینه تحقیق
- ۶- روش تحقیق
- ۷- تعریف اصطلاحات
- ۸- برکت در لغت و اصطلاح
- ۹- واژه های هم خانواده برکت در قرآن
 - ۹-۱- برکات
 - ۹-۲- بورك
 - ۹-۳- تبارک
 - ۹-۴- بارکنا
 - ۹-۵- مبارک
- ۱۰- نتیجه گیری

مقدمه

برکت به معنای خیری است که در چیزی مستقر گشته و لازمه آن شده باشد، مانند برکت در نسل که به معنای فراوانی اعقاب یا بقای نام و دودمان است، و برکت در غذا که به معنای سیر کردن مردم بیشتری است، و برکت در وقت که به معنای گنجایش داشتن برای انجام کاری است که آن مقدار وقت معمولاً گنجایش انجام چنان کاری را ندارد. از آنجا که غرض از دین تنها و تنها سعادت معنوی و یا مادی منتهی به معنوی است. لذا مقصود از برکت در لسان دین آن چیزی است که در آن خیر معنوی و یا مادی منتهی به معنوی باشد، مانند آن دعایی که ملائکه در حق ابراهیم(ع) کرده و گفتند: "رحمة الله و برکاته علیکم اهل البیت" که مراد از آن، برکت معنوی مانند دین، قرب خدا و سایر خیرات گوناگون معنوی، و نیز برکت حسی مانند مال و کثرت و بقای نسل و دودمان و سایر خیرات مادی است که برگشت آن به معنویات می باشد.

لفظ برکت از الفاظی است که در لسان دین بسیار استعمال شده است، از آن جمله در آیات قرآنی و همچنین در موارد بسیاری در اخبار و احادیث، و نیز در تورات و انجیل در مواردی که عطیه های الهی را به انبیا نقل می کند این لغت بسیار به کار رفته، بلکه در تورات برکت را مانند سنتی جاری گفته است. «برکت» به معنای فزونی نعمت و دوام آن، یکی از مفاهیم معنوی مهم در اکثر ادیان جهان می باشد و با وجود اینکه شاید این مفهوم تنها در جهان بینی الهی معنا و مفهوم واقعی خود را می یابد، اما در ادیان انسان ساز و به طور کلی در همه جوامع و مذاهب به عنوان عامل معنوی مؤثر در قلمرو رویدادهای زندگی، مورد نظر و توجه قرار دارد. برکت در عرصه ادیان مفهوم اعتقادی است که مؤمنان را از ایمان و دینداری خویش، به نوعی رضایت مندی پیوند می زند.

بسیاری از اموری که انسان ها انجام می دهند برای کسب این مفهوم در زندگی است ؛ در حقیقت انگیزه انجام بخش مهمی از اعمال عبادی پیروان همه ادیان، معطوف به کسب همین مفهوم برکت می-

باشد ، اعمالی همچون ، دعاهای روزانه ، قربانی کردن ، خیرات نمودن ، زیارت کردن و...، همگی در این راستا تبیین و طراحی شده‌اند.

این بدان معنا است تحقق پدیده برکت به یک عامل دو سوی معطوف است ، یکی انسان و دیگری خواست خداوند؛ در توضیح باید گفت که با وجود تأیید نقش اثرگذاری اراده و تلاش انسان در تحقق برکت در امور، عنایت و لطف الهی (یا امدادهای غیبی) نیز در تحقق برکت زندگی بسیار تعیین کننده می‌باشد.

فرهنگ و ادبیات فارسی این مکانیزم دوسویه را با عبارت گویایی اینگونه بیان می‌دارد که «از شما حرکت، از خدا برکت» .

البته نقش عوامل معنوی در زندگی بشر از دیرباز مورد توجه و عنایت انسان‌ها بوده و هست ؛ هر فردی متناسب با اعتقادات خویش، برای عوامل معنوی اهمیت خاصی قائل است.

این عوامل معنوی در زندگی روزمره انسان در کنار عوامل مادی ، از آن چنان جایگاهی برخوردار هستند که حتی برای انسان‌های جهان مدرن که با جهان بینی‌های الحادی خود و با چشم پوشی از مقولات معنوی، سعی در تحلیل مادی و تجربی وقایع و پدیده‌ها می‌کنند، نیز غیر قابل انکار است، و با تغییر نام عوامل معنوی مثبت که در ادیان به آن «توفیقات» گفته می‌شود به نام «شانس» ، این عوامل را به موقعیت‌های اتفاقی مناسب تعبیر کرده و سعی نموده‌اند تا به جای عوامل معنوی قانونمند ، شرایط اتفاقی را به عنوان عوامل ناشناخته تحولات مؤثر بر زندگی بشر معرفی نمایند.

در فرهنگ ایرانی - اسلامی ما نیز مقوله برکت جایگاه والایی داشته و دارد؛ عبارت‌های متعددی ، به نثر و نظم، در گنجینه‌های ادبی ایران زمین وجود است که برکت را فضیلتی والا و مهم خوانده‌اند، به علاوه، در فرهنگ مذهبی و عامیانه ما، مقوله برکت از ارزشی بالایی برخوردار می‌باشد و کسی که از آن برخوردار گشته باشد بهره‌مند از خیر الهی بالایی شناخته شده است. البته قدمت این ارزش مفهومی، احتمالاً به فرهنگ دوران قبل از اسلام ایران می‌رسد اما با ممزوج شدن فرهنگ اسلامی با فرهنگ اصیل ایرانی و واقعی شدن اعتقادات مذهبی ایرانیان، مفهوم برکت به معنای فزونی و اثربخش بیشتر نعمت‌های زندگی، ارزش والایی یافته است.

۱- تعریف موضوع

اسباب این جهان ، منحصر به ظواهر و مادیات نیست ، بلکه در ماورای عالم مادی ، امور دیگری به نام معنویات وجود دارد که ارتباطی بس دقیق با مادیات و ظرافتی قابل تحسین دارد .

این امور از دید سطحی نگران خارج است و پی بردن به آن دقت ژرف نگران را می طلبد .یکی از

این امور معنوی واژه برکت می باشد که در قرآن بصورت‌های تبارک ، بارک ، بارکنا ، بورک ، برکات ، مبارک و مبارکه جمعاً سی و دو بار در قرآن به کار رفته است.

مفسران معناهای متفاوتی از جمله ، ثبات خیر الهی در اشیاء ؛ نمو و زیادی ؛ سعادت ؛ علو و برتری ؛ دوام و استمرار را برای آن تعریف کرده اند که به نظر می‌رسد قول کسانی که برکت را به معنای ثبوت خیر یا نمو و زیادی می‌دانند، مناسب‌تر است.

می‌توان گفت : برکت ، خیر فراوانی است که با نمو و رشد تقارن دارد اعم از اینکه آن خیر از نظر مقدار ، کم باشد یا زیاد باشد و این معنی با معنای اصطلاحی و عرفی واژه برکت نیز تناسب دارد ؛ از این رو عرف ، چیزی را دارای برکت می‌داند که از آن استفاده ی فراوان یا مداوم شود . لذا عرف ، عمر طولانی را که حاصل چندانی نداشته است ، عمر بی برکت می‌داند و به سرمایه ی اندک که استفاده های بهینه از آن بشود، سرمایه بابرکت می‌گوید.

موضوع برکت از مواردی است که کمتر به آن پرداخته شده و از همین رو عموماً در بیان معنای برکت آن را با واژه نعمت هم معنا می‌گیرند. در این نوشته ما به معنای لغوی و اصطلاحی این واژه پرداخته و آیات و احادیث مربوط به این بحث را استخراج نموده و به ذکر اسباب برکت و موانع آن در زندگی می‌پردازیم.

۲- ضرورت و اهمیت تحقیق

طرح این موضوع از آن جهت قابل اهمیت است که با بررسی آیات و روایات مربوط، با مفاهیم و موارد استعمال این واژه آشنا می‌شویم و با ذکر دیدگاه‌های مفسران و برداشت‌های گوناگون از آیات و روایات، مراد از برکت و مادی یا معنوی بودن آن را در می‌یابیم.

۳- اهداف تحقیق

آشنایی با اسباب و عوامل افزایش برکت در کلیه امور زندگی و به‌کارگیری آنان بصورت عملی و کاربردی و همچنین اجتناب از چیزهایی که برکت را از زندگی انسان می‌برد، بیان اهمیت و ارزش این موضوع نیز یکی دیگر از اهداف می‌باشد.

۴- سؤالات تحقیق

سوال اصلی

مفهوم برکت از منظر قرآن و حدیث ، ابعاد و شئون آن چیست ؟

سوالات فرعی

۱- مهم‌ترین وجوه معانی و کاربردهای قرآنی و روایی واژه برکت و مشتقات آن چیست؟

۲- انواع برکت کدامند؟

۲- اسباب برکت در زندگی چه چیزهایی هستند؟

۳- موانع افزایش برکت در زندگی چه چیزی است؟

۴- افراد با برکت، زمانهای با برکت و مکانها و ... کدامند؟

۵- پیشینه تحقیق

با مراجعه به سایت‌های مختلف از جمله سایت گوگل، یاهو، تبیان و ... و کتابخانه، به کتابی تحت این عنوان برخورد نکردم البته بصورت جدا از هم و بصورت متفرقه، مقالاتی در رابطه با برخی فصول پایان نامه ام یعنی برکت از دیدگاه قرآن و حدیث از جمله پایان نامه آقای علوی که در آن به مشتقات برکت که ۳۲ آیه می باشد، بطور کامل پرداخته نشده است.

کتاب خیر و برکت از نگاه قرآن و حدیث نوشته آقای محمدی ری شهری به ذکر پدید آورنده خیر و برکت و صرفاً ذکر آیات و احادیث در مورد اسباب و موانع آن پرداخته و شرح و تفصیلی در آن دیده نمی شود. همچنین چند مقاله از جمله برکت در قرآن آقای محمد دارینی، و مقاله‌ای از آقای محمد صادق سلیمیان، برکت در قرآن و حدیث از خانم مرضیه کوثری مختصری به این موضوع پرداخته اند.

۶- روش تحقیق

روش این تحقیق، کتابخانه‌ای یا اسنادی است که از طریق مطالعه قرآن ابتدا آیات مربوط به واژه مورد بحث یعنی برکت و مشتقات آن، استخراج، در ادامه با توجه به سوالات مطرح شده آیات دسته بندی، و در مورد روایات نیز از لابه لای متون و کتابهای روایی و حدیثی احادیث مربوطه نیز استخراج و دسته بندی گردیده، مطالب مورد نظر فیش برداری و خلاصه نویسی شد. در نهایت با توجه به این اطلاعات و داده ها، تحلیل و ترکیب انجام و به مفاهیم کلی منتهی گردید.

۷- تعریف اصطلاحات

برکت: در اصل "برک" به معنی سینه شتر میباشد، یعنی شتر سینه خود را به زمین زد، سپس

این کلمه به معنی دوام و رشد آمده و برکت در اصطلاح یعنی استقرار خیر از سوی خداوند، در یک

چیز.^۱

خیر: در لغت «خیر»، ضد «شرّ(بدی)» است، و «خیر» به معنای «جود(بخشندگی)» است.^۲
 شر: شر فقدان ذات یا فقدان کمالی از کمالات شیء است. از آن جهت که آن شیء شأنیت داشتن آن
 کمال را دارد.^۳

شؤم: در مجمع البیان شؤم به معنای رشد و فزونی شر آمده است.^۴
 رحمت: رحمت در لغت به معنای احسان و تفضل و بخشش است، و به این معناست که احسان و
 تفضل و بخشش از موجودی به موجودی دیگر یا موجودات دیگر سرایت کند و موجودی بتواند
 موجودات دیگر را تحت لطف و پوشش و احسان و تفضل خودش دریاورد.^۵

۸- برکت در لغت و اصطلاح

برکت در اصل از برک البعیر می باشد، وقتی شتر روی زمین می نشیند و سینه او به زمین می رسد و
 به حالت ثبات و قرار درمی آید، عرب می گوید برک بعیر، پس برکت به معنای ثابت بودن می باشد و
 همچنین معنای رشد و نمو و زیاد شدن هم می دهد^۶ و برخی نوشته اند:

برکت به معنای خیر بسیار است، چه مادی و چه معنوی.^۷ جناب راغب اصفهانی پس از اشاره به معنای
 لغوی (ثبات شتر) می نویسد چون این معنا مستلزم یک نحوه قرار گرفتن و ثابت شدن است، لذا این
 کلمه را در ثبوت که لازمه معنای اصلی است استعمال کرده و می گویند (ابتروا فی الحرب) یعنی
 در جنگ پابرجا شدن و به عقب برنگشتن و به همین مناسبت آن محلی را که مردان دلیر و شجاعان لشکر
 موضع می گیرند، برکاء و بروکاء می نامند و نیز در جایی که حیوان از راه رفتن باز می ایستد و به هیچ
 وجه تکان نمی خورد میگویند (ابتروک الدابه) و (آب انبار) را نیز به همین جهت (برکه) می نامند،
 برای اینکه آب انبار محل ثابت شدن و قرار گرفتن آب است.

و برکت ثبوت خیر خداوندی است در چیزی و اگر در قرآن می فرماید (لفتحننا علیهم برکات من السماء

۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ المفردات فی غریب القرآن، دارالقلم، بیروت، ۱۴۱۲، ص ۱۱۹.
۲. ابن منظور، جمال الدین، لسان العرب، ذیل ماده؛ المصباح المنیر، ادب الحوزه، قم، ۱۱۰۵.
۳. ملاصدرا، صدر الدین شیرازی، اسفار، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، ج ۷، ص ۵۸.
۴. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، (دارالمعرفه، بیروت، ۱۴۰۸)، ج ۵، ص ۱۰۷.
۵. ابن فارس، ابوالحسن احمد، معجم مقاییس اللغه، (دارالجیل، بیروت، ۱۳۸۹)، ج ۲، ص ۴۹۸.
۶. لسان العرب، ج ۱۰، ص ۳۵۹.
۷. مصطفوی، حسن، تحقیق فی کلمات قرآن کریم، (مرکز نشر کتاب، تهران، ۱۳۸۰)، ج ۱، ص ۱۴۲.

۸.....برکت از دیدگاه قرآن و حدیث

والأرض) ^۱ برای این است که خیرات در زمین و آسمان قرار گرفته است. همچنان که آب در برکه جای می گیرد و مبارک چیزی است که این خیر در آن باشد و آیه (وَهَذَا ذِكْرُ مُبَارَكٍ أَنْزَلْنَاهُ) ^۲ به همین معنا می باشد. ^۳

در تفسیر گرانسنگ المیزان علامه طباطبایی (ره) پس از بیان کلام راغب اصفهانی می فرمایند: «از آنجاییکه خیرات الهی از مقام ربوبیتش به طور نامحسوس صادر میشود و مقدار و عدد آن هم قابل شمردن نیست، روایتی هم که میگوید: «هیچ مالی از صدقه دادن کم نمی شود»، مقصودش همین نقصان غیر محسوس می شود، لذا مقصود از برکت در زبان دین آن چیزی است که در آن خیر معنوی و یا مادی منتهی به معنوی باشد، مانند آن دعایی که ملائکه در حق ابراهیم علیه السلام کرده و گفتند: «رَحِمَتُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ إِنَّهُ حَمِيدٌ مَجِيدٌ» ^۴ که مراد از آن برکت معنوی مانند دین و قرب خدا و سایر خیرات معنوی می باشد و نیز برکت حسی مانند مال و کثرت بقای نسل و دودمان و سایر خیرات مادی است که برگشت آن به معنویات می باشد.

بنابر آنچه گفته شد معنای برکت مانند امور نسبی با اختلاف غرضها مختلف می شود، چون خیر بودن هر چیزی به حسب آن غرضی است که متعلق به آن می شود، مثلاً طعامی که انسان می خورد، بعضی غرضشان از خوردن آن سیر شدن است، برخی دیگر هدفشان تنها حفظ سلامتی است، عده ای دیگر، غذایی را که می خورند، به قصد شفا و بهبودی یافتن و رفع کسالت است. بعضی دیگر نظرشان از فلان غذا تحصیل نورانیتی است در باطن که بدان وسیله بهتر بتوانند خدای را عبادت کنند. پس وقتی عمل واحدی غرض های گوناگونی به آن تعلق می گیرد، برکت در آن نیز معنایش مختلف می گردد ولی جامع همه آن معانی این است که خداوند خیر منظور را با وسیله قرار دادن و برداشتن اسباب و موانع در آن غذا قرار داده، و در نتیجه غرض از آن حاصل می گردد. ^۵

در جای دیگر علامه طباطبایی چنین می فرمایند: «برکت به معنای خیر بسیار و مبارک به معنای محلی است که خیر کثیر بدانجا افاضه و داده شود» ^۶.

اما در تفسیر نمونه چنین می خوانیم:

۱. اعراف / ۵۹.

۲. انبیاء / ۵۰.

۳. مفردات فی غریب القرآن، ص ۴.

۴. هود / ۷۳.

۵. طباطبایی، محمد حسین، المیزان، ج ۱۰، ص ۳۲۶.

۶. طبرسی فضل بن حسن، مجمع البیان، ج ۵، ص ۲۷۴.

«برکات جمع برکت است و همانطور که سابق گفتیم، این کلمه در اصل به معنای ثبات و استقرار چیزی است و به هر نعمت و موهبتی که پایدار بماند، اطلاق می گردد، در برابر موجودات بی برکت که زود فانی و نابود و بی اثر می شوند»^۱.

۹- واژه های هم خانواده برکت در قرآن

واژه های هم خانواده برکت در قرآن بصورت تبارک (۹ بار) ، بارکنا (۷ بار) ، مبارک (۱۲ بار) ، برکات (۳ بار) و بورک (۱ بار) آمده است که جمعاً ۳۲ مورد می باشد.^۲

در این قسمت به ذکر آیاتی که در آن مشتقات کلمه شریف (برک) بکار رفته می پردازیم .

۹-۱- برکات

خداوند متعال در سه آیه در کتاب قرآن از کلمه برکات که در لغت جمع برکه و به معنای افزایش زیادت و سعادت آمده استفاده نموده^۳ که در ذیل به آنها اشاره می کنیم:

۱۰-۱-۱ « وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ »^۴

اگر مردم قریه ها ایمان آورده ، پرهیزکاری کرده بودند برکت هایی از آسمان و زمین به روی ایشان می گشودیم، ولی تکذیب کردند، و ما نیز ایشان را به اعمالی که می کردند مؤاخذه کردیم .»

« در جمله " لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ " استعاره به کنایه به کار رفته ، برای اینکه برکات را به مجرای تشبیه کرده که نعمت های الهی از آن مجرا بر آدمیان جریان می یابد ، باران و برف هر کدام در موقع مناسب و به مقدار نافع می بارد، هوا در موقعش گرم و در موقعش سرد شده ، و در نتیجه غلات و میوه ها فراوان می شود، البته این در موقعی است که مردم به خدای خود ایمان آورده و تقوا پیشه کنند و گرنه این مجرا بسته شده و جریانش قطع می گردد.

جمله " وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا ... " دلالت دارد بر اینکه افتتاح ابواب برکت ها مسبب از ایمان و تقوای جمعیت ها است، نه ایمان یک نفر و دو نفر از آنها، چون کفر و فسق جمعیت، با ایمان و تقوای

۱. مکارم شیرازی ، ناصر ، تفسیر نمونه، ج ۶ ، ص ۳۲۶.

۲. اطلاعات تعداد آیات برگرفته از کتاب عبد الباقي ، محمد فؤاد ، المعجم المفهرس الفاظ القرآن الکریم و سالم ، محمد عدنان ، معجم المفهرس لکلمات القرآن العظیم.

۳. سیاح ، احمد المنجد، ترجمه رحیمی اردستانی ، (صبا ، تهران ، ۱۳۷۷) ، ج ۱ ، ص ۱۱۲.

۴. اعراف/۹۶.

چند نفر، باز کار خود را می‌کند».^۱

« نظر مفسر تفسیر روشن این است که : افزونیها و برکات سماوی عبارتست از توجهات معنوی و رحمت‌های روحانی که سبب بر گشایش و خوشی روحی ، وسعت قلبی ، نورانیت باطنی و استفاضه از فیوضات الهی می‌شود.

افزودنیهای زمینی آن نعمتها و برکاتی است که از کره زمین برمی‌خیزد ، مانند آب و خاک ، هوا ، اشجار ، زراعات ، حیوانات دریایی ، صحرایی ، هوایی و آنچه از نعمتهای مادی مورد استفاده انسانها قرار می‌گیرد.

اگر تنها از نظر ظاهر و محسوس حکم کنیم : نعمتهای آسمانی شامل همه آنچه از آسمان مادی نازل است ، چون باران و گرما و نور و سرما و برف و آثار ستارگان و غیر آنها خواهد بود.

باید توجه داشت که در حقیقت تمام برکات مادی شعاع و اثر برکات روحانی است ، و اگر برای انسان خوشی و وسعت و فتح و گشایشی برسد، از مقام بالای روحانی است به واسطه روح پاک انسان و یا بدون واسطه صورت بگیرد».^۲

« همچنین اگر عذاب و سختی و گرفتاری و نقمتهای فراگیر انسانها می‌شود، در اثر تاریکی روحی ، گرفتگی باطنی ، منقطع بودن از نور و فیوضات الهی خواهد بود.

یکی از اشتباهات مردم این است که عالم ماده را (زمین ، زندگی مادی، قوای بدنی ، گشایش و وسعت ظاهری) به نحو مستقل و خودکفا به حساب آورده، از عالم روحانی و بلکه از عالم لاهوت هم مجزا و جدا می‌کنند، در صورتی که عالم ماده بطور کلی خواه از انسان حساب کنیم و یا به نحو کلی از موجودات دیگر، همه ظل و جلوه عوالم بالای روحانی هستند، و سر چشمه همه فیوضات و تجلیات در همه عوالم از عالم لاهوت و از نور نامحدود ازلی و ابدی مطلق خداوند متعال است .

مانند نور مادی خارجی که از آفتاب سر چشمه گرفته، و مجموع منظومه شمسی را روشن می‌سازد. پس ما باید از هر جهت مادی باشد و یا روحانی، ارتباط خودمان را با مبدء و سر چشمه فیوضات برقرار کرده، و متوجه باشیم که هر چه از این جهت کوتاهی و قصور داشته باشیم به ضرر ما تمام خواهد شد».^۳

۱ . المیزان ، ج ۸ ، ص ۲۵۴.

۲ . مصطفوی ، حسن ، تفسیر روشن، ج ۹، ص ۷۱.

۳ . همان ، ج ۹، ص ۷۲.